

ICOM
کمیته ملی موزه‌های ایران



گزارش

دوره آموزشی راهنمایان موزه برای مخاطب کودک و نوجوان

۱۰ بهمن ۱۳۹۵

دقترا آموزش و پژوهش کودک و نوجوان و کمیته ملی موزه‌ها (ایکوم)

تهیه کننده:

لیلا کفاش زاده و پریاشجاعی

گزارش دوره آموزشی راهنمایان موزه برای مخاطب کودک و نوجوان

دوره آموزشی راهنمایان موزه برای مخاطب کودک و نوجوان در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد. این کارگاه آموزشی که دفتر کودک و نوجوان و ایکوم (کمیته ملی موزه ها) برگزار کننده آن بودند در روز ۱۰ بهمن با حضور ۵۰ نفر از کارشناسان مختلف در حوزه های موزه داری، راهنمای موزه، گردشگری و مربی کودک در شش بخش ارائه شد.

۱- معرفی کتاب های مناسب برای کودکان در حوزه میراث فرهنگی

قصه گویی و بلند خوانی یکی از بهترین روش ها برای آموزش به کودکان است. به عقیده کارشناسان آموزشی و روانشناسان آموزش از راه غیر مستقیم تاثیر بهتری بر روی یادگیری مفاهیم دارد. موزه ها و میراث فرهنگی نیز خاج از این قاعده نیستند. اگر راهنمای موزه بتواند کتاب مناسب با فضای موزه برای مخاطب خود انتخاب کرده و بخواند می تواند قوانین موزه و مفاهیم فرهنگی را به صورت غیر مستقیم به کودکان آموزش دهد. لیلا کفاش زاده مسئول دفتر کودک و نوجوان پژوهشگاه که عضو شورای کتاب کودک نیز هست در این بخش به معرفی تعدادی از کتاب هایی پرداخت که می توانستند در محیط موزه برای کودکان آموزنده باشند. کتاب های زیر نمونه هایی از آنها به شمار می آیند:

❖ **آبی کوچولو،** نوشته گی چپمن، ترجمه مهشید مجتهد زاده

قهرمان این کتاب دخترکی به نام آبی کوچولو است که راه خانه خود را گم کرده است. پسرکی به نام ویل او را پیدا می کند و کمکش می کند تا راه بازگشت به خانه را پیدا کند. اما همه چیز در سر راه آنها آبی است. درختان، رودخانه ها و حتی گل ها و میوه ها. آنها از رودخانه ها و پل ها و حتی قصرهایی عبور می کنند اما خانه آبی کوچولو را پیدا نمی کنند. آبی کوچولو غمگین و ناراحت است. ویل به او

پیشنهاد می کند تا با او به نزد مادر بزرگش بروند. همین که آنها با هم به خانه مادر بزرگ می رسند، مادر بزرگ با خوشحالی فریاد می زند: ویل، تو دختر آبی کوچولو رو پیدا کردی؟ روی قفسه آشپزخانه مادر بزرگ بشقاب چینی به رنگ های آبی و سفید قرار داشت که یک تکه از آن گم شده بود. در حقیقت آن بشقاب خیلی وقت پیش که به گردش رفته بودند شکسته شده بود. مادر بزرگ با کمک ویل قطعه گم شده را سر جای خود می چسباند و بشقاب کامل می شود.

این کتاب قصه مناسبی برای آموزش مفهوم مرمت به کودکان ارائه می کند و با داستانی جذاب به کودک می آموزد که چگونه یک بشقاب شکسته ترمیم می شود.

❖ فرانکلین و دوستانش به موزه می روند، نوشته پالت بورژوا، ترجمه شهره هاشمی

فرانکلین نام بچه لاک پشتی است که قرار است با دوستانش به موزه برود. او و دوستانش خیلی هیجان زده هستند. آنها فکر می کنند که در موزه دایناسور واقعی وجود دارد. آنها پس از آشنایی با قوانین موزه شروع به بازدید می کنند. با غار خفاش ها و جنگل های بارانی آشنا می شوند. مفهوم باستان شناسی را با بازی و کاوش در یک ترانسه مصنوعی یاد می گیرند اما هنوز به بخش دایناسور ها راه پیدا نکردند. پس از مدتی آنها خودشان را در برابر استخوان های عظیم دایناسور ها می بینند و اطلاعات زیادی درباره دایناسور ها کسب می کنند و در ادامه از مومیایی ها و فرهنگ مصر بازدید می کنند. تصاویر کتاب بسیار جذاب بوده و به کمک متن کودکان را با فضاهای موزه ای آشنا می کند.

❖ موش کتابخانه، دیدار از موزه، نوشته دنیل کرک، ترجمه محبوبه نجف خوانی

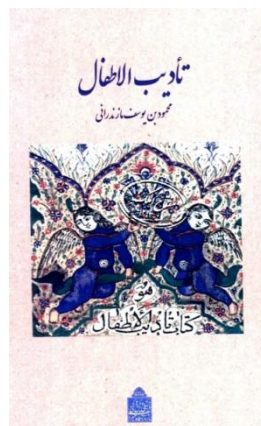
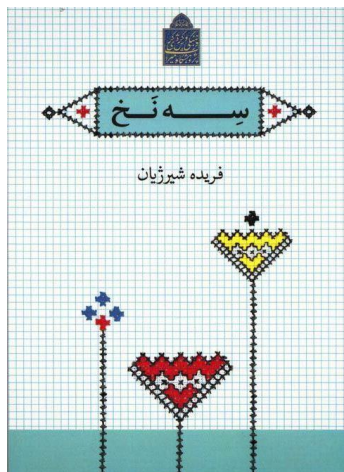
موشی به نام سام در کتابخانه کار می کند و دوستی به نام سارا دارد. ساختمان کنار کتابخانه موزه است و یک شب سام و سارا نقشه می کشند که بازدید از موزه داشته باشند. آنها با حسی از ماجراجویی به ساختمان موزه می روند و با مجسمه های یونان باستان آشنا می شوند. اسکلت دایناسور ها را می بینند و با خط تصویری روبرو می شوند. نقاشی های امپرسیونیست ها را می بینند و به زره های شوالیه های قرون وسطی بر می خورند. سام می خواهد از مجسمه شوالیه بالا برود اما سارا به او تذکر می دهد که نباید به اشیا موزه دست بزند. آنها در ادامه بازدید شان به یک گربه برخوردند که در موزه بود. در حالی که از ترس پا به فرار گذاشته بودند به موش کور کوچولویی برخورد می کنند. موش کور آنها رابه بخش نمایشگاهی که در زیر زمین موزه بود دعوت می کند. جالب است که این قسمت توسط تصویر گر کتاب به شکلی تصویر گری شده است که تابلو های معروف جهان با صورت های موش به چشم می خورند. خالق این آثار کسی نبود به جز همان گربه که هنر مند زبر دستی بود. نویسنده با ظرافت فضای موزه را به کودکان معرفی می کند و کمک می کند تا آنها به واسطه حیوانات با موزه ارتباط ملموس تری برقرار کنند.

❖ تادیب الاطفال، اثر محمود بن یوسف مازندرانی ملقب به مفتاح الملک

این اثر که به تازگی توسط انتشارات پژوهشگاه به چاپ رسیده است نمونه بسیار جالبی از ادبیات کودک در دوره مشروطه و قاجار است که افزون بر جنبه پژوهشی می تواند در فضا های موزه های خط و کتابت بلند خوانی شود. به گفته پژوهشگر این اثر کیوان طباطبایی صمیمی بررسی تصاویر این کتاب می تواند حقایق جالبی را از دوره قاجار و مشروطه برای محققین آشکار ساخته و دید تازه ای از تعلیم و تربیت آن دوران ارائه نماید. این اثر شامل بیست داستان برای دختران و پسران است که به جنبه های گوناگون اخلاقی و تربیتی می پردازد. تصاویر چاپ سنگی کتاب نیز می تواند نمونه های جالبی برای مقایسه فضای مکتبخانه و نوع پوشش و معماری و غیره دوره قاجار و امروز باشد. می توان با کودکان در فضا های موزه ای به بحث و گفتگو پیرامون تفاوت های آموزشی در دوران مختلف تاریخ پرداخت.

❖ سه نخ، نوشته فریده شیر ژبان

کتاب سه نخ نیز از دیگر آثاری است که در سال ۹۵ در انتشارات پژوهشگاه به چاپ رسید. این کتاب به بیان تجربه تئاتر در موزه می پردازد و به خوبی ایجاد ارتباط بین نمایش و اثر تاریخی را بیان می کند. داستان کتاب در باره سرگذشت سه نخ است که متعلق به یک قالی هستند که بر اثر اتفاقی از هم جدا شده اند. این نمایشنامه برای موزه فرش نوشته شده و در همان موزه نیز به اجرا در آمد. این کتاب می تواند الگوی مناسبی برای اجرای تئاتر در دیگر موزه ها باشد.



کتاب های دیگری همچون آرش کماندار، باستان شناسی کشف راز های گذشته، فیلیکس به گذشته سفر می کند، مثنوی معنوی، فرفره های سنتی ایران، صدا ساز ها و روباه به کتابخانه می رود، در این بخش به شرکت کنندگان معرفی شد.

۲- مخاطب شناسی کودک و نوجوان

این بخش توسط مسعود ناصری دریایی عضو شورای کتاب کودک و مدیر موزه عروسک های ملل ارائه شد. ایشان ضمن ارائه خصوصیات گروه های مختلف سنی کودکان موزه ها را بستری مناسب برای آموزش مهارت حل مساله، تفکر انتقادی و تقویت قدرت تخیل کودکان عنوان کرد. به عنوان نمونه مفهوم جاندار پنداری در سن ۲ تا ۷ سالگی بدینگونه بیان شد: بچه ها در سن ۲ تا ۳ سالگی بچه ها براساس موارد استفاده اشیا حیات بخشی را مولفه مورد استفاده بودن شی نسبت می دهند و در ۴ تا ۵ سالگی حرکت عنصری برای جان بخشی می شود و هر موجودی که حرکت می کند را زنده در نظر می گیرند و بعدها به تدریج در سنین بالاتر می توانند بین موجودات بی جان و جاندار تمایز بهتری قایل شوند .



او با اشاره کاربرد نظریه برونر در فضای موزه ها گفت: براساس این نظریه شناخت کودکان از این جهان به دو نوع تقسیم می شود، درک هندسی تعقلی از جهان پیرامون و ادراک فیزیونومیک. اولی درکی است فیزیکی و دومی درکی مبتنی بر حس بخشی یا جان بخشی. چهار گروه شامل هنرمندان، کودکان سنین پیش از دبستان، اقوام بدوی مانند سرخپوستان آمریکا و برخی از بیماران روانی دارای درک فیزیونومیک هستند.

نادیده گرفتن درک فیزیونومیک کودکان، باعث سرکوب خلاقیت در آنها می شود و لازم است برنامه ریزی های ما برای کودکان باید با توجه به درک هندسی تعقلی از جهان پیرامون و ادراک فیزیونومیک انجام شود.

ژان پیاژه روانشناس معتقد بود همه انسان ها باید درک فیزیونومیک خود را پایان عمر حذف کنند چرا که این نوع ادراک به ما کمک می کند تا جهان برایمان زیباتر شود .

در این بخش با تاکید بر لزوم توجه به قدرت تخیل کودکان، یاد آور شد که افسانه ها را یکی از مهمترین ابزارها برای رشد شناختی کودکان و حتی درک هندسی تعقلی هستند از همین رو موزه ها برای معنادار کردن اشیا می توانند از ادراک فیزیونومیک کودکان استفاده کرده و ارائه خاصی برای نمایش اشیا در موزه ها داشته باشند. به طور مثال می توان برای اشیا یک فانتزی و داستان ساخت.

او با ابراز تاسف از بی توجهی آموزش و پرورش رسمی کشور نسبت به بسیاری از بخش های وجودی کودکان گفت: یکی از نکات مهم در رشد شناختی بچه ها که در موزه ها باید مورد توجه قرار بگیرد، فرایند مفهوم سازی در کودک است. تا زمانی که مشاهده انجام نشود مفهومی در ذهن بچه ها شکل نمی گیرد و موزه ها یکی از مهمترین مکان هایی هستند که می توانند کودکان را به مشاهده تشویق کنند، البته منظور از مشاهده فقط دیدن با چشم نیست.

وی گام بعدی در فرایند مفهوم سازی را توجه به تفاوت ها و شباهت ها دانست و گفت: ما باید به بچه ها کمک کنیم که بتوانند جهان را در ذهن خود طبقه بندی و ساماندهی کنند و در مرحله بعدی دست به تجزیه، ترکیب و ساختن بزنند .

یکی از وظایف مهم موزه ها در ارتباط با کودکان، آموزش مهارت های حل مساله و مهارت های انتقادی است. راهنمایان موزه ها و موزه داران باید به بچه ها یاد بدهند که سوال طرح کنند و سپس برای سوال خود فرضیه هایی در نظر بگیرند و برای اثبات یا رد فرضیه ها شواهدی را جمع آوری کنند. در مرحله آخر با توجه به شواهد جمع آوری شده، تحلیل، استنباط و نتیجه گیری داشته باشند . کودکان باید یاد بگیرند چگونه برای پرسش هایشان، پاسخ مناسب پیدا کنند و با تفکر انتقادی آن را بسنجند . موزه می توان بستر مناسبی برای این امر باشد.

او در ادامه با اشاره به مراحل رشد عاطفی روانی کودکان براساس نظریه اریک اریکسون، روانشناس، موزه ها را بستری مناسب برای پیوند اطلاعات به مسائل روز عنوان کرد و افزود: متاسفانه در کشور ما به دلایل مختلف چندان به ادبیات مساله محور توجه نشده است، در حالیکه در کنار آموزش مهارت های حل مساله و تفکر انتقادی می توان پیچیده ترین مسایل و مشکلات روز جامعه را به شکلی صحیح برای کودکان مطرح کرده و به بحث گذاشت.

مریم خاکپور کارشناس هنر و آموزش در حوزه کودک و نوجوان در بخش سوم کارگاه پیشنهاد های اجرایی برای بازدی بهتر کودکان از موزه ها ارائه کرد. وی با توجه به تجربه های بسیاری که در بازدید کودکان از موزه ها داشت مواردی را به شرح زیر بیان کرد:



تشکیل انجمنی از موزه دارها برای ثبت تجربه ورود کودکان به موزه ها

بسیاری از یادگیری ها در موزه برای کودکان عمیق تر می شود، از همین رو خوب است انجمنی متشکل از موزه دارها برای تبادل و ثبت تجربه های ورود کودکان به موزه ها تشکیل داد.

یادگیری فقط مختص مدرسه نیست، یکی از مهمترین نکاتی که در امر یادگیری بسیار تاثیر گذار است توجه به تفاوت های بین فردی بچه ها است، برخی از بچه ها ذهنی هستند و برخی با فعالیت و تمرین یاد می گیرند و گروهی با تحقیق. وظیفه ما به عنوان مربی، والدین، موزه دار، معلم و غیره شناخت تفاوت های بین فردی برای کمک به یادگیری بهتر کودکان است.

راهنمایی موزه خارج از قوائد همیشگی

هر کودک شخصیت و تجربه ها و الگوی یادگیری خاص خود را دارد بنابراین بهتر است موزه دار به جای این که با یک برنامه از پیش تعیین شده شروع به صحبت و معرفی اشیا موزه کند به کودک کمی فرصت داده و توجه کند که کدام بخش از موزه برای کودک جالب تر است و سپس از همان قسمت توضیحات خود را شروع کند.

تبدیل موزه به مکانی برای یادگیری

تک تک اشیا و آثار موزه می توانند به نوعی به زندگی کودکان مربوط باشند، و این موزه دار است که باید با هوشیاری این ارتباط را بشناسد و از آنها برای آموزش کودکان استفاده کند، به طور مثال می توان با کمک مجسمه ونوس و مقایسه آن با عروسک های باربی امروزی برای کودکان توضیح داد که چگونه مفهوم و تعریف زیبایی در طی دوره ها و فرهنگ های مختلف دستخوش تغییر شده است.

تبدیل رویداد های اجتماعی به فرصت هایی برای یادگیری در موزه ها

همه اتفاق هایی که در محله، شهر و کشور و در یک کلام در اجتماع می افتد به نوعی بخشی از فرایند یادگیری کودکان محسوب می شوند و به جای نادیده گرفتن باید به عنوان یک فرصت آموزشی به آنها نگاه کرد. آموزگاران می توانند موضوعات اجتماعی را متناسب با فضای موزه تبدیل به موارد آموزشی نموده و با کودکان کار کنند

توجه به همه ابعاد وجودی کودک

امروزه در آموزش های نوین به همه ابعاد وجودی یک کودک توجه می شود، متاسفانه ما در این زمینه موفق نبوده ایم و به همین دلیل نتیجه سیستم آموزشی ما تربیت انسان های تک بعدی است.

موزه مکانی به موازات مدرسه برای یادگیری

کودکان نباید به موزه ها به عنوان جایی برای وقت گذرانی و فرار از درس و مدرسه نگاه کنند بلکه موزه ها باید به محلی تبدیل شوند که آنچه را که کودکان در مدرسه می آموزند در موزه ببینند و به عبارت بهتر ادامه آموزش مدارس باید در موزه ها دنبال شود. گاهی حتی می توان از فضای موزه به عنوان کلاس درس استفاده کرد به طور مثال برگزاری کلاس درس ادبیات در موزه عروسک ها به طور حتم برای بچه ها دلنشین و آموزنده خواهد بود.

برقراری ارتباط انسانی بین موزه دار و کودک

گاهی ممکن است موزه دار به دلیل تعداد زیاد دانش آموزان موفق نشود با همه ارتباط موثری برقرار کند. موزه دارها باید با توجه به شرایط تلاش خود را انجام دهند و حتی اگر بتوانند روی یک کودک هم تاثیر بگذارند کافی است.

ارتباط چشمی بین موزه دار و کودک

موزه دارها در هنگام خروج بچه هایی که به بازدید گروهی از موزه آمده اند حتما باید با نگاه مستقیم به چشم تک تک بچه ها به آنها یادآوری کنند که می توانند روزهای دیگر همراه خانواده خود برای بازدید از موزه بیایند و به آنها بروشورهای لازم را بدهند.

تبدیل بازدید از موزه به یک خاطره خوش

موزه دار باید تلاش کند که بازدید از موزه به یکی بهترین خاطره ها برای کودک تبدیل شود. لازم نیست در یک بازدید حتما همه موزه و اشیا برای کودک توضیح داده شود گاهی فقط یک موضوع توجه کودک را جلب می کند و باید موزه دار روی همان موضوع تمرکز کند و به کنجکاوی کودک پاسخ دهد، در بازدیدهای دیگر کودک فرصت شناخت و کشف سایر بخش های موزه وجود دارد.

خم شدن هنگام صحبت کردن با کودک

موزه دارها باید با زبان ساده و قابل فهم برای کودکان بخش های مختلف موزه را توضیح بدهند. هنگامی که کودک از شما سوالی می پرسد، سعی کنید خم شده و هم قدم او شوید و از زاویه دید او به شی نگاه کنید و پاسخ او را بدهید. گاهی لازم است موزه دار بارها و بارها با صبر و حوصله قوانین را به بچه ها گوشزد کند، نباید فراموش کنیم که کودکان از طریق تکرار و تمرین یاد می گیرند.

نگاه از زاویه دید کودک

به یاد بیاورید اولین بازدید گروهی که داشتید چه زمانی و چه مکانی بوده است؟ اولین موزه ای که بازدید کردید کدام موزه بود؟ آیا انتظاراتی که داشتید برآورده شد؟ چه تاثیری هنوز بر ذهن شما گذاشته است؟ با بیان چنین پرسش هایی می توانیم بفهمیم یک کودک چه حسی در یک بازدید می تواند داشته باشد. چگونه می توان از زاویه دید کودک به موضوع نگاه کرد؟

۴- لزوم پرورش راهنمای کودک در موزه ها

سید احمد محیط طباطبایی رییس ایکوم ایران (کمیته ملی موزه ها) و معاون رییس پژوهشگاه در بخش بعدی کارگاه از اهمیت تربیت نیروی متخصص در حوزه کودک و نوجوان سخن گفت. در سطور زیر بخش هایی از سخنان ایشان ارائه می شود:

موزه ایران باستان نخستین موزه ای بود که در سن یازده سالگی و به اتفاق پدرم رفتم. پدرم از من پرسید سکوی خالی جلوی موزه برای چیست. من دو حدس داشتم یکی اینکه جای نگهبان موزه باید باشد و دوم اینکه برای صحبت کردن و سخنرانی می تواند مورد استفاده قرار بگیرد. اما این سوال برای همیشه در ذهن من ماند تا اینکه روزی در موزه طرحی از گدار دیدم که دو اسفنجس به عنوان نگهبانان

موزه در آن مکان قرار داشت که هرگز در واقعیت عملی نشد. یاد اوری مواجهه با موزه در کودکی خودمان یکی از بهترین راه هایی است که بتوانیم خود را جای کودکان بگذاریم و بتوانیم نیاز های آنان را در بازدید از موزه بهتر درک کنیم.



شیوه ارتباط در هر ملت و قومی به شیوه ای است. شیوه ارتباط در اقوام ایرانی شکل روایتگری است که از سینه ها و دوران گذشته نیز به همین شکل بوده است. در زمان اشکانیان روایت ها با قصه و موسیقی توسط گوسان ها روایت می شده است. در حقیقت بخشی ها، نقال ها مداح ها و قصه گو ها نیز همان روش را به کار گرفته و داستانی را از تاریخ و یا مسائل اجتماعی روایت می کنند. یک موزه دار می تواند بدون هیچ امکانات خاصی فقط راوی باشد. موزه خوب موزه ای است که راوی خوبی دارد. موزه اگر راوی خوبی نداشته باشد، از بهترین امکانات و تکنولوژی هم که برخوردار باشد نمی تواند تعامل لازم را با مخاطب برقرار کند. فرق بقالی های محلی و فروشگاه های شهروند نیز همین است. در یک بقالی محلی ارتباط انسانی بین خریدار و فروشنده برقرار می شود. عزا و عروسی و بیماری و دیگر اتفاق ها به شراکت گذاشته می شود و علقه ایجاد می گردد. اما در فروشگاه شهروند با وجود امکانات و اقلام بیشمار ارتباط انسانی برقرار نمی گردد. در موزه باید بین راهنما و بازدید کننده، به ویژه بازدید کننده کودک باید ارتباط انسانی برقرار گردد. راهنما باید برای کودک وقت بگذارد که جزو گران ترین سرمایه های انسانی است.

یکی دیگر از نکات مهم تشخیص دادن به کودک است. وقتی به کودک احترام گذاشته شود ارتباط متقابل برقرار می گردد و موزه برای کودک تبدیل به مکانی دوست داشتنی می گردد.

موزه دار باید خود را به هدف مقدسش گره بزند و منتظر قدر دانی و تشکر نباشد و مانند گل نیلوفر که در مرداب شکوفا می شود محیط خود را تحت تاثیر قرار دهد.

موزه‌ها بهترین مکان یادگیری هستند و هنر آموختن یکی از مهم‌ترین هنرها است. راهنمای موزه در عین حالی که باید به گذشته و تاریخ احاطه کامل داشته باشد با یاری شناخت مسائل روز جامعه مخاطب خود را آموزش دهد. اگر شعرهای نیما و اخوان ثالث و شعرای این نسل با وجود ساختار شکنی و ارائه شعر نو تاثیر ماندگاری بر روی مخاطب خود گذاشتند به این جهت بود که عروض و اوزان شعرهای کلاسیک را به خوبی می‌شناختند.

هر وجود ناقصی بهتر از عدم است. پس بهتر است از تمام نیروی خود برای شناخت و جذب مخاطب استفاده کنیم تا تاثیر گذار باشیم و منتظر رسیدن زمان ایده آل و امکانات و تجهیزات نباشیم.

امروزه آموزشی خلاق است که ایجاد پرسش کند و نه اینکه پاسخگو باشد. کودک در مواجهه با موزه باید سوال در ذهنش ایجاد شود و موزه دار نباید تبدیل به یک ماشین پاسخگو شود. موزه مکان گفتن ناگفته‌ها است.

یکی از اهداف اصلی موزه به عنوان مکانی اجتماعی که متعلق به همه است ایجاد صلح و دوستی است. موزه‌ها به بهترین شکلی می‌توانند از دوران کودکی این تاثیر را بر روی مخاطب بگذارند که بتوانند با وجود تفاوت‌ها و حتی جنگ‌هایی که پدران گذشتگان دو کشور داشته‌اند می‌توان امروز در صلح زیست و دیگر جنگ نکرد. راهنمای موزه بهترین راوی برای انتقال مفهوم صلح است و کودکان بهترین مخاطب.

همه موزه‌ها باید مخاطب کودک و نوجوان خود را در نظر بگیرند. قصه‌گویی و روایت نه زمان دارد و نه سن. برای همین اگر روایت موفق باشد چه برای منشور کوروش و چه برای یک سکه می‌توان فضایی ایجاد کرد که مخاطب با اثر ارتباط گرفته و بیاموزد.

۵- بیان تجربه‌های مختلف حضور کودکان در موزه‌ها

الهه حریریان کارشناس موزه داری در این بخش تجربه‌های مختلف روایت‌گری و بازدیدهای متفاوت و خلاقانه را به اشتراک گذاشت. در طی پنج سال اخیر پروژه‌های بسیاری را در موزه‌های گوناگون با گروه‌های سنی متفاوت پیش بردند که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.



اشیایی که در موزه ها خاموش بودند و با ورود کودکان لب به سخن گشودند و قصه زندگی خود را برای کودکان روایت کردند. با این نوع روایت و موزه گردی سکوت در موزه ها شکسته می شود و اجسام بی روح زنده می شوند. در این پروژه ها راهنما های موزه که برای جذابیت کار، به معنای واقعی و آکادمیک خودش قصه گو نبودند توانستند با فضا سازی و شخصیت پردازی از عناصر قصه استفاده کنند و اشیا را جان پندار جلوه دهند. کودکان از این نوع مواجهه با آثار لذت می برند و ارتباط برقرار می کنند.

روش نقشه خوانی با کمک کتاب فرانکلین با دوستانش به موزه می روند در موزه دارآباد با هدف آشنایی با تاکسیدرمی و نقشه خوانی انجام شد. مخاطبین مهد کودکی بودند که به کمک داستان کتاب از تمام بخش های موزه بازدید کردند و با نقضه تصویری که ارائه شده بود توانستند با روش نقشه خوانی آشنا شوند.

در هفته کودک پروژه ای به نام گردش در موزه با گل بی بی برای ایجاد کنجکاو و انگیزه در مجموعه فرهنگی کاخ موزه سعدآباد انجام شد که کودکان با الهام گرفتن از کتاب نامه های فیلیکس به دنبال عروسک گم شده گل بی بی که از سازندگان روستایی عروسک های خراسان جتوبی بود گشتند و با بازی بخش های مختلف موزه را بازدید کردند. در این پروژه به خوبی به نیاز های حرکتی کودکان توجه شده بود.

گل های ختمی بر روی دیوار نام کتابی بود که در موزه باغ گیاه شناسی ملی ایران با هدف معرفی باغ و گیاهان و جانوران آن انجام شد. کودکان خود باغ کوچکی ساختند و با انواع گیاهان موجود آشنا شدند.

باغ قصه ها - راز قصه هانام فعالیت های مستمری در موزه ملک بود که تا اکنون نیز ادامه دارد. طومار خواب آلودی که از تاریخچه خط برای کودکان سخن می گفت، طوطی ای که طوطی حاج آقا ملک بود و راهنمای موزه محسوب می شد و قصه طوطی و بازرگان را تعریف می کرد، استاد وراقی که داستان های مولانا را روایت می کرد، سپندارمزد که فرشته نگهبان زمین بود و از نمایشگاه هفت اقلیم و سرزمین های عجیب و غریب و آداب و رسوم آنها برای کودکان تعریف می کرد، عروسک کمال الملک که با نمایش خود تاریخچه ای از زندگی استادبزرگ نقاشی ایران را معرفی می کرد، آدمکی میوه ای که نمایشگاه سراجچه تن را با کمک کتاب تشریح الابدان را به بچه ها نشان می داد، قصه ملک جمشید با انواع نشستن در آثار تاریخی کودکان را آشنا می کرد و درخت سخنگویی که بچه هارا با شجره نامه های خانوادگی آشنا می کرد همه از پروژه های باغ قصه های موزه ملک بودند که شیوه های گوناگون روایت را برای مخاطب ارائه می داد.

آشنایی با انواع عروسک ها و آداب و رسوم اقوام ایرانی و دیگر کشور ها در موزه عروسک های ملل از دیگر فعالیت های مستمر در حوزه کودکان بود. کودکان در اینموزه با کمک کلاه و عروسک و لباس با آداب و رسوم اقوام آشنا می شوند. خودشان نمایش اجرا می کنند و بر روی فعالیت های پژوهشی خود در موزه کار می کنند. موزه برنامه های خاصی برای کودکان ناشنوا و کودکان کار داشت که به خوبی اجرا شد. همچنین یک بازدید اختصاص داشت به کار قصه درمانی در موزه که توسط کارشناس روان شناس انجام شد.

ارتباط بین موزه ها نیز به کمک برخی فعالیت ها ایجاد شد. به عنوان نمونه کودکان کار در موزه ملک شروع به نوشتن قصه و ساخت عروسک کردند و بعد این فعالیت را در موزه عروسک های ملل به شکل پیشرفته تری دنبال کردند.

موزه پول و آشنا شدن کودکان با قلک و پس انداز، طرح پنج گنج که به شکل شبکه ای از قصه ها و موزه ها در پنج روز و به مناسبت هفته پژوهش انجام شد از دیگر فعالیت های گروه راز گردونه بودند که به عنوان نمونه های خلاقانه راهنمایی موزه برای کودکان ارائه شد.



در ادامه برنامه فاطمه به آبادی و لیلا کفاش زاده فعالیت هفت اقلیم را که در موزه ملک برای کودکان در پروژه باغ قصه ها اجرا می شد را به صورت عملی و نمونه اجرا کردند.

۶- معماری موزه مناسب برای کودکان

علیرضا قلی نژاد عضو ایکوم از قدیمی ترین موزه های کودکان دنیا و معماری مناسب کودکان در بخش پایانی این کارگاه صحبت کرد. متن زیر بخش هایی از این موضوع هستند:

تعریف معماری:

معماری ترکیبی است از هنرمندی و خلاقیت، حکمت و علم ساختمان، شناخت مصالح و تکنولوژی. حکمت در معماری یعنی اینکه کار بیهوده نکنیم و حقیقتی پشت فعالیت مان باشد. معمار کسی است که تعامل با محیط اطراف را تشخیص می دهد و بر اساس نیاز مندی های محیطی، بومی و فرهنگی سازه مناسب را ارائه می دهد. همچنین خلاقیت یکی از مهم ترین مولفه ها در معماری است چرا که گونه های مختلف معماری حاصل خلاقیت سازنده های آنها است.



بر مبنای تعریفی که "ایکوم" از موزه می دهد، موزه مکان گردآوری، نگهداری، مطالعه و بررسی کردن و نیز به نمایش گذاشتن نعمتهای فرهنگی یا طبیعی به منظور آموزش، پژوهش و ارزش دادن به این مجموعه ها و لذت بردن از آنهاست. از همین رو موزه ها می توانند بهترین مکان برای یاد گیری کودکان باشند. موزه های مرتبط با کودک دو دسته اند. یکی موزه هایی که مختص کودکان ساخته شده اند و دیگری موزه هایی که برای مخاطب کودک ساخته نشده اما فعالیت هایی متناسب با کودکان در آنها تعریف و ارائه می شود. اما برای اینکه بتوان در موزه ها بهترین فضا را برای کودکان فراهم آوریم، مهمترین عامل شناخت مخاطب و در نظر گرفتن نیاز های اوست.

قدیمی ترین موزه های کودک در جهان

۱- موزه بروکلین

قدیمی ترین موزه کودکی در جهان است. فضاهای مختلف نمایشگاهی، کتابخانه و کارگاه برای کودکان دارد. مهمترین عاملی که در معماری این موزه ر نظر گرفته شده صرفه جویی در معماری و استفاده از بازیافت بوده است. ابتدا ۳۰۰۰۰ متر مربع بوده که به مرور به ۹۰۰۰۰ متر مربع گسترش پیدا کرده است. این موزه ۳۰۰۰۰ موضوع برای بازدید دارد که الزاما همه آنها شیئی نیستند.

۲- موزه بوستون

با قدمتی بیش از صد سال موزه تخصصی کودکان بوده است. در این موزه آموزش غیر رسمی برای کودکان و تعامل با محیط پیرامون جز اهداف اصلی به شمار می آید. بخشی از موزه به اتاق زیر شیروانی تعلق دارد که فضای زندگی مادر بزرگ ها و پدر بزرگ ها را به کودکان ارائه داده و سعی دارد تا ارتباط بین نسلی را افزایش دهد.

۳- موزه دیترویت

این موزه که در سال ۱۹۱۷ راه اندازی شده دو میلیون موضوع برای ارائه به کودکان دارد که فقط ۹۰۰۰۰۰ عدد از آنها شیئی هستند.

۴- موزه ایندیانا پلیس

این موزه که در سال ۱۹۲۵ تاسیس شده توسط معلمان راه اندازی شده است. اصولا اکثر موزه های کودکان در دنیا حاصل تلاش معلمان بوده چرا که می خواستند فضایی برای آموزش تعاملی کودکان خارج از مدرسه داشته باشند.

۵- موزه شیکاگو

این موزه با مساحت ۸۰۰۰۰ متر مربع بزرگ ترین و کامل ترین موزه آموزشی دنیا است که مفاهیم آموزشی بابازی به کودکان ارائه می گردد. امکانات جانبی همچون هتل، پارک، مرکز بازی و تفریح از دیگر بخش های این موزه هستند.



معماری موزه کودکان با دیگر معماری ها باید تفاوت های اساسی داشته باشد. معماری موزه برای کودکان باید موارد زیر را در بر داشته باشد:

استفاده از رنگ، فضای تعاملی، امکان تجربه و دست زدن برای کودک، رعایت تناسبات و ارتفاع دید، آموزش غیر مستقیم، آزادی عمل، فضایی برای بازی، پاسخگویی به حس کنجکاوی.

به طور کلی باید در نظر داشت که موزه ها فضای آزاد و مستقلی هستند برای یادگیری و کودکان آینده یک جامعه محسوب می شود. پس با ایجاد تعامل بین کودکان، آموزگاران، راهنمایان و موزه می توان با برنامه ریزی مناسب به آینده ای روشن تر دست یافت.